

## نقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات نازل در شأن ائمه (علیهم السلام)

دکتر مریم ایمانی

(استادیار دانشگاه تربیت معلم)

زینب خطی دیزآبادی

(کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث)

zekhati@yahoo.com

چکیده. تفسیر فی ظلال القرآن، مهم‌ترین اثر سید قطب و بیانگر نبوغ و قدرت فکری این نابغه فرزانه است. این تفسیر در میان تفسیر قرآن کریم رویکردی سیاسی، اجتماعی، حماسی و تربیتی دارد و مؤلف آن معسری متجدد و روش تفسیری او نوین است. آشنایی معسر با علل و اسباب نزول آیات به وی این امکان را می‌دهد که پیام ژرف و تفسیر واقعی آیه را دریابد و برداشت‌های تفسیری خویش را با شرایط و زمینه‌های نزول هماهنگ سازد. تفسیر آیات با عنایت کامل به مختصات ساحتاری و محتوایی آنها به مبراهه معیاری است که مفسر برای ارزیابی اسباب نزول و بررسی صحت و سقم احتمالی آنها از آن بهره برده است. در این جهت سؤال این است که آیا سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن برای اسباب نزول ارزشی قائل بوده یا نه؟ اگر قائل بوده دیدگاه وی درباره آیات نازل در شأن ائمه علیهم السلام چگونه است؟

در این پژوهش به این پاسخ‌ها دست یافته‌ایم: سید قطب به اسباب نزول در تفسیرش می‌پردازد اما با قصور در خصوص ائمه اطهار علیهم السلام در قبال این‌گونه آیات پاسکوت می‌کند یا اسباب نزول معارض آن را بیان می‌دارد.

کلید واژه‌ها: سید قطب، سبب نزول، اهل بیت علیهم السلام، روش تفسیری، فی ظلال القرآن.

#### مقدمه

قرآن مرتبه‌ای از علم الهی و جامع‌ترین، استوارترین و آخرین رهنمود خداوند برای دستیابی به صلاح و فلاح و سعادت هر دو جهان است. ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب بزرگ سبب شده است که نه تنها مسلمانان بلکه دانشمندان ادیان و مذاهب دیگر نیز به دیدهٔ اعجاب به آن بنگرند و در صدد کشف رمز و رازها و مطالب ژرف، بدیع، هدایتگر و سازنده آن برآیند.

اغلب مفسران اعم از شیعه و سنی، شأن نزول آیات را از مهم‌ترین شرایط تفسیر بیان کرده‌اند و در اغلب تفاسیر از بیان آن دریغ ورزیده‌اند. سید قطب یکی از این مفسران است که از این موضوع غافل نبوده و در تفسیرش به این امر مهم پرداخته است.

#### زندگی سید قطب

سید قطب ابراهیم حسین شاذلی در قریهٔ «موشه» یکی از روستاهای مرزی که به روستای عبدالفتاح نیز معروف است (خالدی [بی تا]: ۱۲ - ۱۰) از توابع استان اسیوط مصر در تاریخ ۱۹۰۶ زاده شد. در سال چهارم ابتدایی، یعنی در ده سالگی حافظ کل قرآن شد. در تفسیر فی ظلال نیز این مطلب تصریح شده است، هنوز بیش از ده سال از عمر وی نگذشته بود که همهٔ قرآن را حفظ کرد. در شانزده سالگی وارد دانشسرای عبدالمریز قاهره شد.

سید قطب از سنین جوانی در مطبوعات مصر مقاله می‌نوشت و به روزنامه نگاری علاقه وافری داشت. نخستین جستار وی در شانزده سالگی در نشریهٔ صحیفه البلاغ به سال ۱۹۲۲ چاپ شد. وی ابتدا با نشریات معروفی چون البلاغ، البلاغ الاسبوعی، الجهاد، الامرام و غیره همکاری می‌کرد و مرتب برای نشریات مقاله می‌نوشت (همان: ۹۸).

وی در چهل سالگی همزمان با آغاز تفکر دربارهٔ حرکت اسلامی و انقلابی با نشریاتی چون الکتاب المصری، الکتاب السوادی، الشون الاجتماعیه و... همکاری داشت. سید قطب در طول حیات ۲۵ سالهٔ مطبوعاتی خود، ۴۵۵ مقاله و قصیده در مجله‌ها

نقد و بررسی لرای سید قطب در مورد آیات فزله در شأن ائمه (ع) / ۵۲

و روزنامه‌های گوناگون مصر چاپ کرد. وی نیسی از زندگی خود را با نشریات مختلف سپری کرد، در این مدت بی برد که رفتار و عملکرد بعضی از مطبوعات مشکوک است و از چاپ مقالات وی خودداری می‌کند و دریافت که بعضی از آنها با پیگامگان در ارتباط اند، به همین سبب مقاله‌ای به نام «الدوله تخفق الادب» بر ضد این دسته از نشریات نگاشت و آنها را رسوا کرد (همان: ۱۱۱).

تا سال ۱۹۴۲ عضو حزب وفد بود و صحف و مجلات و بحث‌های زیادی نوشت و قصاید متعددی منتشر کرد. پس از ده سال فهمید که این گروه در گمراهی به سر می‌برند پس از سال ۱۹۵۱ به بعد به جمعیت اخوان المسلمین که حسن البنا، آن را بنیانگذاری کرده بود پیوست و فعالیت‌ها در پیشبرد اهداف آن کوشید، بیشتر تلاش وی در زمینه نقد ادبی بود و کتاب‌هایی را در این زمینه منتشر کرد. مهم‌ترین دوران مبارزه سید قطب از زمانی شروع می‌شود که او به اخوان المسلمین پیوست.

سید قطب در امریکا بود که حسن البنا ترور شد او می‌دید که نشریات امریکایی به شدت از کشته شدن حسن البنا ابرار خوشحالی می‌کنند، از این رو، همان جا تصمیم گرفت پس از بازگشت از امریکا در سال ۱۹۵۱ به طور رسمی به اخوان المسلمین بپیوندد. وی چنان به این گروه علاقه داشت که همیشه می‌گفت: «من در سال ۱۹۵۱ به دنیا آمدم» (کویل ۱۲۸۲: ۳۹).

مقالات تند و صریح سید قطب در این نشریه و روزنامه‌های دیگر، سبب شد تا وی در ۱۹۵۴ به همراه حسن الهضیبی<sup>۱</sup> دستگیر و به پانزده سال زندان محکوم شود. وی در زندان تفسیر فی ظلال القرآن را نوشت. پس از پنج سال محکومیت، سید در زندان بیمار شد و بیم مرگ وی می‌رفت، از این رو، مسئولان اخوان المسلمین مصر با امجد زهاوی دبیر این جمعیت در عراق تماس گرفتند و به او توصیه کردند عبدالسلام عسارف، رئیس جمهور وقت عراق را واسطه قرار دهند که جمال عبدالناصر را قانع کند تا سید از زندان آزاد شود. عبدالسلام عارف پیغام فرستاد و به واسطه این پیغام، سید قطب در سال ۱۹۶۴ از زندان آزاد شد.

۱. بهر کل جمعیت اخوان المسلمین بعد از حسن البنا

مقالات و قصاید اجتماعی و دینی وی زیست بخش مجلات معتبری همچون الرساله، المقطف، اللواء الجدید، الدعوه، الصرخه، مصر الفتاه و المسلمون و الاشتراکيه و مشاهدہ النیامه فی القرآن به چاپ رسید (خالدی [بی تا]: ۱۷-۱۵).

به سال ۱۹۴۸ با نوشتن العداله الاجتماعیه فی الاسلام بار دیگر توجه همگان را به ایدئولوژی پر بار و سازنده و زنده اسلامی جلب کرد (همان جا). از سال ۱۹۵۳ به بعد افزون بر نگارش کتاب‌ها و مقالات مفید و محققانه، نوشتن تفسیری به نام فی ظلال القرآن را آغاز کرد و در سال ۱۹۶۴ آن را به پایان برد. نگارش تفسیر فی ظلال القرآن و نگارش کتاب‌های: هذا الدین، المستقبل لهذا الدین، خصاص التصور الاسلامی، الاسلام و مشکلات الحضاره، معالم فی الطریق و مقومات التصور الاسلامی از آثار مکتوب وی در دوران حبس به شمار می‌آید.

تفسیر فی ظلال که مهم‌ترین اثر سید قطب است، در دو مرحله شکل یافت: بار اول هنگامی که سید قطب هنوز پای در میدان جهاد، حرکت و دعوت نگذاشته بود و بیشتر از لحاظ مباحث زبانی و ادبی به قرآن کریم می‌نگریست؛ و دیگر بار وقتی که با همه وجود پیام قرآن کریم را باز یافت و به صورت عملی به حرکت، تربیت و دعوت ملتزم گشت (خرم‌شاهی ۱۳۸۲: ۷۳۲).

در اکتبر ۱۹۵۲ نخستین جزء این کتاب را دارالکتب العربیه در قاهره منتشر کرد و بدین سان هر دو ماه یک جزء تا جزء شانزدهم انتشار یافت. زمانی که سید قطب دستگیر و راهی زندان شد، پایی‌گیری و شکایت ناشر از دولت، مقامات اجازه دادند که سید قطب در زندان تفسیر خود را کامل کند تا این که در پایان دهه پنجاه میلادی تألیف این تفسیر در زندان به پایان رسید.

فی ظلال القرآن در این مرحله گریه روشی نوین داشت، اما آن نبود که امروز ما شاهدش هستیم. بلکه مؤلف پس از کشف اعجاز هنری در قرآن و تألیف کتابی در این باره، آرزو داشت که تمام قرآن را با چنین رویکردی تفسیر کند، در این مرحله توفیق یافت بخشی از آرزوهایش را در مورد نمایش هنری در قرآن برآورده سازد و برخی از خواطر ذهنی، زیبایی، نمایش هنری و برخی از مبادی و مناهج تفسیری‌اش را بیان کند. اما زندان، سید قطب را با مرحله جدیدی از تجربه‌های قرآنی، مواجه ساخت و گستره

تقد و بررسی آرای سید قطب در مورد آیات ماره در شان لثمه (ع) / ۵۹

جدیدی از سهج حرکت اسلامی در دعوت، تربیت، جهاد و انقلاب بر وی گشاد و خداوند او را به کشف کلید فهم گنجینه های قرآن کریم و به کارگیری اش در مسیر دعوت و جهاد رهنمون کرد.

شاهکار سید قطب در تأمین این هدف اجزای هفت و هشت از فی ظلال است. چنان که این دو جزء، متمرکزترین، پخته ترین و روشن ترین اجزای فی ظلال اند. سید قطب با همین روش ده جرم نخست فی ظلال را تفتیح کرد و پس از آزادی از زندان قصد داشت، دیگر اجزا را نیز به همین شیوه بازنگاری کند و اجزای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را نیز به همین شیوه نوشت. اما در نهایت فرصت از او سلب شد و او را کشتند (خالدی [بی تا]: ۵۴۹-۵۴۴).

با ادامه فعالیت سید قطب و تأثیر افکار و آراء وی در مردم به ویژه نسل جوان مصر و جهان عرب، در سال ۱۹۶۵ دوباره دستگیر و زندانی شد. محاکمه سید قطب در جایگاه متهم ردیف اول به فرمان جمال عبدالناصر در دادگاه نظامی در تاریخ ۱۹۶۶ آغاز شد و به مدت ۳۶ روز ادامه یافت (همان جا). سرانجام در نهم آگوست ۱۹۶۶ اعدام شد و به شهادت رسید.

سید قطب ۵۹ سال در این جهان زیست و ۲۹ کتاب در ادب و نقد و فکر اسلامی برجای گذاشت که در رأس آن کتاب تفسیر فی ظلال است و او مفسر مدرن به حساب می آید (سید قطب ۱۳۷۰: ۲۲).

سید قطب تألیفات بسیاری دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

مهمه الشاعر فی الحیاء، التصویر النفس فی القرآن، مشاهدہ الفیامه فی القرآن، المقدمه الادبی، اصوله و مباحثه، تقد کتاب مستقل الثقافه فی مصر، طفل من القرى، الاطیاف الاربعه، اشراک (با همکاری دیگران)، المدیبه المسحوره، الفصص النبیه للاطفال (با همکاری عبدالحمید جوده السحار)، الجدید فی اللغه العربیه (با همکاری دیگران)، الجدید فی المحفوظات (با همکاری دیگران)، روضه الطفل (با همکاری دیگران)، المدالاه الاجتماعیه فی الاسلام، معرکه الاسلام و الراسمالیه، السلام العلمی و الاسلام، نحو مجتمع اسلامی، فی ظلال القرآن، خصائص الصور السلامی، الاسلام و مشکلات الحضاره، دراسات اسلامیه، هذا الدین، المستقبل

لهذا الدين. معالم في الطريق. افراح الروح. معركتا مع اليهود. في التاريخ فكره و منهاج [سيد قطب [بی تا] ح ۵، ۱].

### تعریف و فواید معرفت و شناخت اسباب النزول

سبب نزول در اصطلاح مفسران رویداد یا پیرششی است که به اقتضای آن قسمتی (آیه یا آیات یا سوره‌ای) از قرآن کریم همزمان یا در پی آن نازل شده است و به این مجموعه رویدادها و پرستش‌های مزبور اسباب نزول گفته می‌شود.

در گذشته بین اسباب نزول و شأن نزول اختلافی نبود اما دانشمندان معاصر بین آن تفاوت قائل شدند و در تعریف شأن نزول گفته‌اند:

چیزی که آیه یا سوره‌ای از قرآن برای پرداختن به آن از جهت شرح و بیان یا برای عبرت آموزی از آن نارل شده است.

پس سبب نزول خصوص واقعه یا مسأله‌ای است که در زمان نزول آیات رخ داده یا مطرح و آیات برای حل آن معضل نازل شده ولی شأن نزول اعم است از حادثه‌ای که در زمان نزول قرآن رخ داده باشد یا در زمان‌های گذشته (باپایی و دیگران ۱۳۸۲ ۱۴۲ و ۱۵۲).

برخی بر این پندارند که بحث و بررسی درباره اسباب النزول اصلاً فایده و بهره علمی ندارد؛ چون تصور می‌کنند که بررسی اسباب النزول به منزله بحثی تاریخی و کشف رویدادها در زمان گذشته است و از این حد فراتر نمی‌رود و انسان با شناخت اسباب النزول از زمینه‌های تاریخی نزول آیات و سور آگاه می‌شود و معرفت اسباب النزول با چنین منزلی نمی‌تواند عوائد و بازدهی داشته باشد.

اما باید گفت که ایسان در چنین پنداری دچار اشتباه‌اند و تصور آنان سخت لغزان و نادرست است زیرا که آشنایی با اسباب النزول فواید و آثار سودمندی را از پی خود برای هر فرد علاقه‌مند به فهم قرآن کریم به ارمغان می‌آورد که شمار این فواید و آثار سودمند، نسبتاً فراوان است.

در این زمینه علما سخنان گوناگونی داشته‌اند. در نظرگاه زرکشی «بیان سبب نزول

روشنی قوی در فهم مفاهیم کتاب عزیز است و بیان اسباب النزول امری است که برای صحابه با توجه به قرآینی که پیرامون مسئله مشاهده کرده بودند حاصل می‌گردیدند (۱۴۱۰: ج ۱، ۲۸). سیوطی به نقل از ابن دقین العید بیان اسباب النزول را راه بسیار کمک‌کننده‌ای در فهم قرآن می‌داند. واحدی معتقد است که تفسیر آیه بدون آگاهی از داستان آن و بیان نزولش ممکن نیست و برای تفسیر مهم‌ترین امر اسباب نزول است که باید به آن بالاترین توجه را داشت، زیرا که در اخبار و عده آتش به کسی داده شده است که نسبت به نزول جاهل بوده و در تفسیر دچار لغزش شود (واحدی نیشاپوری [بی‌تا]: ۴). سیوطی می‌نویسد:

دانشمندان اهل تحقیق اقدام به تفسیر قرآن را برای کسی که نسبت به اسباب نزول آگاهی نداشته باشد حرام کردند. (سیوطی [بی‌تا]: ۴).

سید قطب سبب نزول را موجب روشنگری و دقت بیشتر در مفهوم آیات می‌داند (همان: ج ۲، ۱۷۰). البته مفاهیم آیات و مقاصد آنها را به مورد نزولشان منحصر و محدود نمی‌سازد بلکه در کنار آن به فاعده اصولی عبرت به عموم لفظ است نه به سبب خاص آن سخت پایبند است و از نظری بخشی از اعجاز قرآن در همین امر نهفته است؛ چه، با وجود آن که آیات آن برای مواجهه با یک امر واقعی در جامعه صدر اسلام نازل شده‌اند؛ لکن این آیات همچنان در همه نسل‌ها و در همه عصرها کارآمد و راه‌گشا هستند (سید قطب [بی‌تا]: ج ۲، ۱۷۲ - ۱۷۰؛ ج ۳، ۱۴۲۶ - ۱۴۲۵؛ ج ۶، ۲۵۲۸). و به همین دلیل وی مفهوم و مدلول آیات را بر موارد و مصادیق مشابه موارد نزول آنها تعمیم می‌دهد و از جمله در ذیل آیاتی که سبب نزول خاص‌اند اشارات، حقایق و نکاتی عصری که مطابق با این زمان و مرتبط با مشکلات و موضوعات مبتلا به عصر حاضر است ارائه می‌دهد (همان: ج ۲، ۱۷۲ - ۱۷۰؛ ج ۳، ۱۴۲۵ - ۱۴۲۵؛ ج ۶، ۲۵۲۸) از این روه مفسر فی‌الاطال برای دستیابی به چنین هدف مهم و بستر ارزشمند تفسیری، گام‌های جدی را بر می‌دارد که این گام‌ها عبارت‌اند از:

- اشاره به مکی و مدنی بودن سوره و ترتیب نزول آن (همان: ج ۵، ۳۰۰۲).

- بیان اسباب نزول برحسب گزارش‌های تاریخی و روایات (همان: ج ۲، ۱۷۰).

- بیان فصای نزول بر اساس مدلول و سیاق آیات (همان: ج ۳، ۱۵۷۸-۱۵۷۰؛ ج ۲، ۱۸۶۳ و س.ا.)  
 - گزارش وقایع و حوادث مهم و بزرگ بر اساس کتب سیره نگاری (همان: ج ۲، ۷۷۷-۷۷۶).

در باره استفاده از سنت، سید قطب نیز چون همگان بر این باور است که در دوره‌های مختلف و بر اثر فتنه انگیزی و فرقه گرایی، و به ویژه به واسطه دخالت یهودیان و نقش آفرینی و محرکه آرای آنان، سنت پیامبر ﷺ دچار جعل و وضع شده است. اختلاف میان پیروان علی با امویان و با اهل سنت سبب راه یافتن روایات ضعیف در مجموعه سنت گردیده است [سید قطب (بی تا) ج ۳، ۱۵۹۸] سید قطب خود در مواردی از این روایات جعلی، ضعیف و مردود در تفسیر سود جسته است (همان: ج ۳، ۱۲۹۲؛ ج ۶، ۳۸۳۰، ۳۵۲۸، ۳۴۸۴؛ ج ۳، ۱۴۸۱؛ ج ۲، ۶۶۵-۶۶۴).

سید در خصوص فضایل و مقامات دو خلیفه نخستین و نقش و عملکرد سازنده آن دو گزارشاتی را بدون استناد و ذکر منبع آورده است که با دیگر روایات و گزارش‌های تاریخی صحیح در تضاد است (عسکری (بی تا) ج ۱، ۱۲۵۰؛ سید قطب (بی تا) ج ۳، ۱۴۵۶؛ (بی تا) ج ۶، ۳۸۲۸؛ ج ۱، ۲۸۵-۲۸۴).

#### آیات نازل در شأن ائمه (علیهم السلام) و آراء سید قطب

در شأن ائمه حدوداً سیصد آیه گزارش شده است (قدوسی (بی تا) ۲۸۶-۱۲۶). با مراجعه به آیاتی که گفته شد درباره ائمه علیهم السلام نازل شده است، شانزده آیه را انتخاب و مورد بررسی قرار دادم. گفتمی است که انتخاب آیات بدون مراجعه اولیه به تفسیر سید قطب است. از این رو می‌توان گفت این آیات به خوبی می‌توانند نمونه‌ای از طرز برخورد سید قطب با اهل بیت رسالت علیهم السلام و فضائل آنان باشند. گروهی از دانشمندان شیعه و سنی در صدد جمع آوری آیات نازل در شأن اهل بیت علیهم السلام برآمده و کتاب‌ها و رساله‌هایی در این زمینه تألیف کرده‌اند.<sup>۱</sup> روایات انتخاب شده در این جستار همگی از

۱. سید احمد حسینی اشکوری در مقدمه چاپ اول ما تزل من القرآن می‌اهل بیت علیهم السلام تألیف حسین م حکیم حبری، نام ۴۲ اثر از این قبیل تألیفات را آورده است و سید محمد رضا حسینی جلالی در مقدمه چاپ دوم همان



مصادر اهل سنت است.

پیش از پرداختن به آیات نازل در شأن ائمه باید بگوییم که سید قطب بیشتر از منابع تفسیری چون جامع البیان عن تأویل آئی القرآن، محمد بن جریر طبری (برای مثال نکند سید قطب [بی تا] ج ۳، ۱۲۲۱ - ۱۲۲۰). الکشف و البیان فی تفسیر القرآن احمد بن ابراهیم ثعلبی النیشابوری (همان: ج ۳، ۱۰۲۱) معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل، حسین بن مسعود بغوی (همان: ج ۲، ۱۰۷۶ ح ۳، ۱۵۸۷ ح ۵، ۳۱۱۶). الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی (همان: ج ۷، ۲۰۷ ح ۱۰، ۱۲۳)، الکشاف، محمود بن عمر زمشغری (همان: ج ۴، ۱۲۵۰ ح ۶، ۲۳۸۲ - ۲۳۸۱، ۲۴۱۴)، التفسیر القرآن المطیم اسماعیل بن کثیر دمشقی (همان [بی تا] ج ۳، ۱۱۹۸ - ۱۱۹۷) - بیشترین بهره را از این کتاب برده است - الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی (همان: ج ۳، ۱۶۴۱)، روح المعانی محمود آنوسی بغدادی (همان: ج ۳، ۱۶۴۲)، بهره برده است. اولین آیه‌ای که مطرح شده در این بحث:

۱. آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۰۷). «و از مردم کسی هست که در طلب رضای خدا از سر جان می‌گذرد و خداوند به بندگان مهربان است.»

این آیه در شأن علی علیه السلام است، زمانی که در شب ليله المبيت امام علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر ایشان خوابید و پیامبر صلی الله علیه و آله صحیح و سالم به مدینه رهسپار گشت.<sup>۱</sup>

---

رساله که به نام تفسیر طبری چاپ شده، با تهذیب و تکمیل نوشته اشکوری، نام شصت و پنج کتاب را ذکر کرده است.

۱. سهرطی به سه طریق این روایت را آورده: به اسنادش از سدی از بن عباس: «من لقيت من بشرى نضسه، در سن هلی من ایطلب عليه السلام نازل شده است، هنگام فرار پیامبر صلی الله علیه و آله از دست مشرکین به غار یا ابریکر که هلی علیه السلام در بستر حضرت خوابیدند. و به همین اسناد روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که اراده نمود هجرت کند علی علیه السلام را در مکه جا گذاشت تا دیوش را ببرد و از دست او بگذرد و امر کرد به او شب هنگام خروج به سوی غار زمانی که مشرکین حمله‌اش را محاصره کرده بودند که لباس برد حصرمی را پوشد و در جایش بماند و آن شاه‌الله مشکلی برایت پیش نمی‌آید و علی علیه السلام در جای او خوابید. پس وحی کرد خداوند به جبرئیل و میکائیل که شما را برادر فرار دادم و فرار دادم عمر یکی از شما را بیشتر از دیگری و یکی از شما را محیر کرده و زندگی را انتخاب کند که هر دوی شما زندگی را انتخاب کرده‌اند. پس وحی کردم به آن دو همانگونه که شما را برادر فرار دادم آن دو را تبر برادر فرار دادم، و علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید خوردش را ندای او نمود تا او زندگی نماید نه زمین بی‌مروت کید و او را از شر دشمنانش محفوظ دارید. پس جبرئیل بالای سر او و

سید قطب ذیل این آیه به شأن نزول آن از زبان ابن کثیر می‌پردازد و می‌نویسد:

ابن کثیر در تفسیر خود آورده، ابن عباس، انس، سعید بن مسیب، ابو عثمان نهوی، عکرمه و... گفته‌اند: این آیه در مورد صهیب رومی نازل شده است و خبر ابن کثیر صهیب به پیامبر رسید و حضرت فرمود: ریح صهیب، ریح صهیب، البته سید قطب این آیه را عام می‌گیرد و دیگر مؤمنین را نیز مشمول این آیه می‌داند.

نقده فضل بن روزبهان در ابطال الباطل می‌نویسد:

اکثر مفسران این آیه را در حق صهیب دانسته‌اند. امام فخر رازی که در تفسیر خود اقوال تمام مفسران را آورده به این شأن نزول اشارهای نکرده و آیه را در حق علی رضی الله عنه دانسته است. سیوطی در درالمتنود عموم روایات اهل سنت را نقل کرده، به روایتی که مربوط به این مطلب باشد اشاره ندارد (مظهر: ۱۹۷۶؛ ۱۲۹ - ۱۲۷).

طبری و سیوطی و آلوسی سه مفسر مورد اعتماد سید قطب‌اند. به این شأن نزول اشاره کرده‌اند.

۲. ﴿الَّذِينَ يُتِمُّونَ آمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره: ۲۷۴). «آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، مردشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند».

جمهور روایت کرده‌اند (شوشتری [بی‌تا] ج ۲، ۲۶۴) که این آیه در حق علی رضی الله عنه نازل شده است. حضرت هر روز چهار درهم انفاق می‌کردند: یک درهم در شب، یک درهم در روز، یک درهم مخفیانه، یک درهم آشکارا.<sup>۱</sup>

۱. میکائیل کزازی او نیست، پس جبریل به او گفته. آخرین بر توای علی بن ابیطالب رضی الله عنه خداوند به تو می‌آید می‌کند بر ملائکه پس نازل کرد حدای متعال این آیه را بر رسول و مردم را مسوچه نمود که این آیه در شأن علی رضی الله عنه نازل شده است. (سیوطی، [بی‌تا] ج ۶، ۳۷۶. یا لشکک تلمیذی در مشر تکه واحدی نیشابوری، [بی‌تا] ۳۳۱ داری، [بی‌تا] ج ۳، ۲۴۳. قرطبی، ۱۹۲۶؛ ج ۱۹، ۱۱۲۹ طبری، ۱۳۵۶؛ ۱۰۲. شوکتی، [بی‌تا] ج ۵، ۳۳۸. آلوسی، ۱۳۶۴؛ ج ۲۹، ۱۵۷. [بی‌تا]، بیساری، [بی‌تا]، ج ۴، ۲۲۵. قندوزی، [بی‌تا] ۹۳ تعلیمی، [بی‌تا] ج ۲، ۱۳۷۶. ۱. واحدی در لیب التزول می‌نویسد: محمد بن یحیی بن مالک القسی به ما خبر داد حدیثا محمد بن اسماعیل الجرحانی، قال حدیثا عبدالرزاق، قال حدیثا عبدالروماب بن مجاهد از ابیه عن ابن عباس در مورد این آیه می‌گوید: در حق علی رضی الله عنه نازل شده است، حضرت چهار درهم هر روز انفاق می‌کردند: یک درهم در شب، یک درهم در

مقد و بررسی لرای سید قطب در مورد آیت نازل در شأن ائمه (ع) / ۶۵

سید قطب ذیل این آیه شأن نزولی بیان نمی‌کند و آیه را عام می‌گیرد، با این‌که سیوطی به سه طریق این شأن نزول را ذکر کرده است (سید قطب [بی‌تا]: ج ۱: ۳۱۶). و (این کثیر نیز به این مطلب پرداخته است، در ضمن سید قطب بیشترین روایات تفسیری خود را از این کثیر نقل می‌کند.

۳. آیه ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...﴾ (توبه: ۳). «و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر روز عید قربان که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند...»

در صد احمد بن حنبل آمده است که منظور علی رضی الله عنه است، زمانی که بر آیاتی از سوره براءت ادن داده شد هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوبکر دستور خواندن آن را داد، رسول خدا پس از نزول این آیه، مطلب را به علی رضی الله عنه مسترد کرد تا حضرت آن آیات را بخواند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در همان حین امر شدم به این که یا خودم یا یکی از خودم این آیه را بخواند» (احمد بن حنبل ۱۴۰۲: ۴۴).

سید قطب این شأن نزول را با اندکی تغییر در تفسیرش بیان کرده، در تفسیرش می‌نویسد: علی و ابوبکر با یکدیگر به این اعلام پرداختند (سید قطب [بی‌تا الف]: ۱۵۱۹).

سید قطب ذیل این آیه بیان می‌کند:

روایت‌های متعددی درباره شرایط و ظروف این اعلان، و شیوه تبلیغ و رساندن آن، و کسی که آن را تبلیغ کرد و رساننده نقل شده است. صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین آنها به سرشت چیزها و دارای هماهنگی بیشتر با واقعیت زندگانی گروه مسلمانان در آن روزگار، چیری است که این جریر بیان داشته است، بدان هنگام که چنین روایت‌هایی را عرصه و بررسی می‌کند، در اینجا از تعلیقات این جریر چیزهایی را گلچین می‌کیم که با دیدگاه ما درباره حقیقت واقعه همچوانی دلرد، از چیزهایی صرمطر می‌کنیم که از گفتار او نمی‌پسندیم و با آنها موافق نیستیم یا سخنانی را از گفته‌هایش بیان نمی‌داریم

روز، یک دوم محبتانه، یک درهم آشکارا (واحدی، همان، ۵۲ یا حسین مصمودن مکه، بهوی ۱۴۱۵ ح ۱، ۲۲۹. نک رمحشری [بی‌تا]: ح ۱، ۱۱۶۲، ولوی [بی‌تا]: ح ۷، ۸۹، حارن [بی‌تا]: ح ۱، ۲۲۹، طبری: ۱۳۵۶، ۸۸، ابن الجوزی، [بی‌تا]: ۱۱۴، قرطبی: ۱۹۳۶، ح ۳، ۳۲۷، ابن کثیر [بی‌تا]: ح ۱، ۵۲۶، ابن ابن الحدید: ۱۳۸۵، ح ۱، ۱۷، بیضاوی [بی‌تا]: ح ۱، ۲۶۷، سیوطی [بی‌تا]: ح ۱، ۳۶۳، سیوطی [بی‌تا الف]: ۴۲.

که برخی مخالف و متناقض با برخی دیگر در این باره است. زیرا ما روایت‌هایی متعدد و تعلیقات طبری را تقد و بررسی نمی‌کنیم، لکن چسبوری را می‌نگاریم که ترجیح می‌دهیم» [همان: ج ۵، ۸۳۱].

۴. آیه (وَيُطْعِمُونَ الطَّامِعِينَ عَلَنَ حَيْثُ يَشَاءُونَ وَيُؤْتُونَ السَّكِينَةَ) (انسان: ۸) «و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند»

جمهور عقیده دارند (مرعشی شوشتری ۱۹۰۱: ج ۳، ۱۵۷) زمانی این آیه نازل شد که حسن و حسین مریض شدند، به جهت مشهور بودن این حدیث و محدودیت نوشتار از گزارش آن صرف‌نظر می‌کنیم.<sup>۱</sup>

بیشتر مفسران این سوره را مدنی دانسته‌اند اگر همه آن را ندانند برخی از آیات را مدنی دانسته‌اند (طباطبایی [بی‌تا]: ج ۱، ۱۲۳ - ۱۲۲). سید قطب این نظر را بعید می‌داند و کاملاً رد می‌کند و می‌گوید:

چون پس از سوره‌هایی مثل: قلم و مزمل و مدثر آمده بعید است مدنی باشد. و همچنین چون در آیه به صبر پیامبر و نعمت‌های متعدد اشاره شده این سوره جداً مکی است (سید قطب [بی‌تا] الف: ج ۶، ۳۷۷۷).

نظر علامه طباطبایی در مورد مکی یا مدنی بودن این است که سیاق آیات این سوره و خاصه آیه یوفون بالندر و آیه ویطعمون الطعام الخ سیاق یک داستان واقعی است که در خارج اتفاق افتاده است و ذکر اسیر در میانه کسانی که به دست ابرار اطعام شده‌اند، بهترین شاهد است بر این که این آیات در مدینه نازل شده است، چون مسلمانان در مکه قدرتی نداشتند تا اسیر داشته باشند. در ضمن پیامبر اذیت و آزاری که در مناققان مدینه دید کمتر از اذیت مشرکان مکه نبود و در سوره‌های دیگری چون کهف نیز به نعمت‌های

۱. واحدی نیشابوری [بی‌تا]: ۳۳۱ واری [بی‌تا]: ج ۳، ص ۳۳۳. ابن الجوزی [بی‌تا]: ۳۲۲ قرطبی ۱۹۳۶: ج ۱۹، ۱۲۹، ۱۳۵۶. طبری، ۱۰۶ ابن ابی الحدید [بی‌تا]: ج ۱، ص ۷. ابن حیان الاندلسی [بی‌تا]: ج ۸، ۱۳۵۶، ۳۹۹۵ - حارثی: ج ۷، ۱۵۹. سیوطی [بی‌تا]: ج ۶، ۲۹۹. الکشفی الترمذی الحنفی، ۶۲ شرکانی [بی‌تا]: ج ۵، ۳۸۸. آلوسی ۱۲۶۴: ج ۲۹، ۱۵۷. بیضاوی [بی‌تا]: ج ۲، ۳۳۵. قدوسی [بی‌تا]: ۹۳. واحدی نیشابوری [بی‌تا]: ۳۳۱ واری [بی‌تا]: ج ۴، ۲۲۴.

بهشتی اشاره شده در حالی که این سوره مدنی است. البته به نظر علامه سوره دهعتاً نازل نشده بلکه نزول آن در دو مرحله بوده مرحله اول مکی از واصر لحکم ریک... تا آخر، مرحله دوم مدنی از ابتدا تا واصر... اما در جواب افرادی که می‌گویند، این سوره یک دفعه نازل شده، چنین توضیحی می‌دهد (طبایطیایی [بی تا] ج ۲۰، ۲۶۷).

سید قطب ذیل این آیه به شأن نزولی اشاره نکرده و آیه را عام دانسته است (همان؛ ح ۶، ۲۷۸۲ - ۲۷۸۱). البته بعضی از مفسران نیز این عمل علی رضی الله عنه و اهل بیتش را محال دانستند و چنین سبب نزولی را نمی‌پذیرند (شوشتری [بی تا] ح ۳، ۱۷۰). در حالی که ما افراد زیادی را می‌بینیم که ریاضت‌های سخت‌تری را انجام می‌دهند یا افرادی که چار درمانی می‌نمایند و به مدت چهل روز فقط آب می‌نوشند پس نمی‌توان این عمل را از محالات دانست. غرالی در فصل شکستن شهوت می‌نویسد:

... بالاترین درجه آن این است که سه روز یا بیشتر گرسنگی بکشند... ابوبکر صدیق شش روز گرسنگی کشیده، عبدالله بن زبیر هفت روز امساک نمود. (مطفر ۱۹۷۶: ح ۲، ۱۷۷).

۵. آیه بعد (... وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ) است (احزاب: ۲۵) «... و خدا خود امر جنگ را از مؤمنان کنایت فرمود...» که در مورد کشتن عبود است. (کسبی الشافعی ۱۱۰) [بی تا] این مسعود در قرائتش «بملی» را اضافه نموده که تأکیدی بر انجام این کار از جانب علی رضی الله عنه است [شوشتری [بی تا] ح ۳، ۳۷۶]. در اینجا اشکالی وارد کرده‌اند و آن این است که قرائت این مسعود از قرائات متواتر نیست و شیعه از قرائات شاذ پیروی می‌کند (همان [بی تا] ح ۳، ۳۷۸). مرحوم شوشتری به این اشکال چنین پاسخ می‌دهد:

این از قرائات متواتر نیست اما از قرائات شاذ هم نیست. و به خاطر وجود واسطه بیز این دو از قرائات آحاد محسوب می‌گردد که صحیح است به نقل از سیوطی در کتاب الاتقان از قاضی جلال الدین الباقیبی می‌گوید: همانا قرائت به متواتر و آحاد و شاذ تقسیم می‌شود پس قرائات سعه مشهورند، قرائات ثلاثه آحادند که روی هم ده قرائت می‌شود و قرائت صحانه به آن ملحق می‌شود و قرائت تاہین چار قرائات شاذ محسوب می‌شود (همان جا).

سید قطب ذیل این آیه شأن نزولی بیان نموده است و آیه را عام می‌گیرد (سید قطب  
لی تا الف: ج ۱، ۲۲۵).

عمر آیه بعد ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُعْمَلُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَهُمْ زَاكِيُونَ﴾ (مائده: ۵۵) است. «ولی و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند  
بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند».

بی تردید این آیه، به هنگامی که علی علیه السلام انگشترش را در حال رکوع به سائل داد،  
دریازة وی نازل شده است. و این، مورد اتفاق و اجماع مفسران است. مفسرانی چون  
ابن کثیر، سیوطی، طبری، قرطبی و... به طرق مختلف به این شأن نزول پرداخته‌اند. آمان  
در مورد معنی کلمه ولایت با شیعه اختلاف دارند و ولایت را به معنی نصرت و یاری  
گرفته‌اند. لکن در خصوص شأن نزول با شیعه متفق‌اند.

در ذیل این آیه نیز سید قطب به شأن نزول این آیه اشاره‌ای نمی‌کند (سید قطب  
لی تا الف: ج ۲، ۹۲۰).

۷. آیه ﴿... قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ وَإِسَاءَتَنَا وَإِسَاءَتَكُمْ وَانْفُسَنَا وَانْفُسَكُمْ﴾ (آل  
عمران: ۶۱). «... به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان  
خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت  
کنیم، شما هم از نفوس خود...»

این آیه در حق پنج تن آل عبا نازل شد، مفسران اجماع کردند بر این که منظور از  
ابنانا اشاره به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است و نسانا منظور حضرت فاطمه  
(س) است و انفسنا اشاره به امام علی علیه السلام دارد.<sup>۱</sup>

سید قطب می‌نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله مسیحیان بجران را به مباحله دعوت کرد. آنها با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله دچار  
رعب و وحشت شدند و دست از مباحله کشیدند.

۱. تمامی مفسران ذیل این شأن نزول را به یک یا چند طریق در تفاسیرشان ذکر کرده‌اند. از جمله زید بن  
علی، احمد بن مفصل، معمر بن قناده، ابن زید، علیاء بن اسمعیل، شکر بن یونس، ابن تاج رحمته الله ج ۷،  
۱۲۰، احمد بن حنبل، مسد احمد بن حنبل [بن تاج] ج ۱، ۱۸۵، طبری ۱۳۵۶: ج ۳، ۱۹۲، ابوبکر الجعفی،  
۱۴۰۶: ج ۲، ص ۱۶، حاکم نیشابوری ۱۹۸۲: ج ۳، ۱۵۰، حاکم [بن تاج]، ۵۰، تعلی [بن تاج]، ۹۵، الاصبهانی،  
[بن تاج]، ۲۹۷، واحدی نیشابوری، [بن تاج]، ۷۴، بقوی ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۰۳، بقوی [بن تاج]، ج ۲، ۲۰۴، وازی  
[بن تاج]، ج ۸، ۸۵، ابن کثیر [بن تاج]، ج ۹، ۲۷۰.

### نظر مفسران اهل سنت درباره آیه مباهله

سید محمود آلوسی در تفسیر روح المعانی می نویسد:

هیچ مؤمنی در دلالت آیه بر فصل خاندان پیامبر ﷺ تردید نمی کند و پندار ناصی ها که این آیه دلالت بر فصل اهل بیت ﷺ ندارد، هذیان و نشانه ای از تماس با شیطان است (۱۴۲۶: ج ۳، ۱۹۰).

جبارالله زمخشری «قوی ترین دلیل بر فضیلت اصحاب کساء را آیه مباهله می داند» (بی تا، ج ۱، ۳۷۰).

در نظرگاه فخر رازی: «درستی روایت آمدن پیامبر ﷺ همراه علی و حسن و حسین و فاطمه برای مباهله بین اهل تفسیر و حدیث، شبه اتفاق است». سپس روایتی را نقل می کند به این مضمون که پیامبر ﷺ بعد از اجتماع آن افراد (اهل بیت)، آیه تطهیر را تلاوت کرده است (همان: ج ۸، ۸۵).

۸ ﴿...الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...﴾ (مائده: ۳) «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم...»

این آیات در شأن علی ﷺ پس از خروج پیامبر از حجة الوداع آیات نازل شد و بر ولایت حضرت علی ﷺ پس از پیامبر صحبت می کند. در این سفر بیش از صد و بیست هزار نفر همراه حضرت بودند. احادیثی که در مورد واقعه غدیر نوشته شده از احادیث متواتر است، احمد بن حنبل چهل طریق برای این واقعه در مستندش ذکر کرده است. ابن جریر هشتاد طریق، سیوطی هفتاد طریق، ابن عقده صد و پنجاه طریق، ابوسعید سجستانی صد و بیست طریق، ابوالعلاء عطار همدانی دویست و پنجاه طریق برای این حدیث گزارش کرده اند (شاکری بی تا: ۸۲).

بر اساس نظر سید قطب «این آخرین آیه نازل شده است، زیرا اكمال رسالت و اتمام نعمت را به پیامبر ﷺ اعلام می دارد». سید قطب در ادامه به این روایت اشاره می کند که عمر با بصیرت نافذ و قلب واصل، این مطلب را درک کرد؛ روزگار پیامبر ﷺ به پایان رسیده است و باید ادای امانت کند و ابلاغ رسالت. پس گریست و قلبش نزدیکی این روزگار سخت را درک نمود.»

سید قطب در ادامه می‌گوید که خداوند به مردم اعلام کرد دین حقیقی این است و تقص و قصوری در این دین راه نیافته است، و مؤمنین باید این مطلب را کاملاً درک کنند. (سید قطب [بی تا] ج ۲، ۸۴۶-۸۴۱).

۹. آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹) «ای کسانی که ایمان آوردید از خداوند اطاعت کنید، پیامبر را اطاعت نمایید و مطیع فرمان او و اولی الامر که از خود شماست باشید». منظور از اولی الامر همه اطهار هستند (قدوسی [بی تا] ۱۱۴ و ۱۱۷؛ حاکم حسکانی حنفی [بی تا] ج ۱، ۱۴۸؛ رازی [بی تا] ج ۲، ۲۵۷؛ ابوحیان المغربی اندلسی ۱۱۴۰؛ ج ۳، ۲۷۸؛ کشفی ترمذی [بی تا] ۵۶).

سید قطب ذیل این آیه نیز به شأن نزولی اشاره می‌کند و اولی الامر را فرماندهان و کارگزاران قلمداد می‌کند. (سید قطب [بی تا] ج ۲، ۶۸۸-۶۸۷).

۱۰. آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾. (توبه: ۱۱۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید».

این آیه در حق رسول خدا ﷺ و علی عليه السلام و اهل بیت آن حضرت نازل شده است (خوارزمی [بی تا] ۱۸۹؛ حاکم [بی تا] ج ۱، ۲۵۹؛ سیوطی [بی تا] ج ۳، ۲۹۰؛ کشفی ترمذی [بی تا] ۴۲؛ شوکانی [بی تا] ۳۹۵؛ سلیمان السدوسی [بی تا] ۱۱۸).

در نظرگاه سید قطب اهل مدینه با توجه به پذیرفتن دعوت پروردگار و تلاش زیادی که برای رسیدن به حق داشتند، کسانی بودند که پیامبر را پناه دادند و با او بیعت کردند، و کسی که مصاحب رسول خدا بوده و نفس خویش را برای رسول خدا فدا نموده جزء صادقین به شمار می‌آید (سید قطب [بی تا] ج ۳، ۱۷۲۳).

سید قطب نخست از اهل مدینه می‌نویسد و به منزله شأن نزول این آیه و در آخر به ابوبکر اشاره می‌کند، چون مصاحب رسول خدا بود. در اینجا سید قطب مصداق آیه را انصار و یک نفر از مهاجرین، یعنی شخص ابوبکر می‌داند.

۱۱. ﴿قُلْ يَفْضَلُ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْتَمُونَ﴾ (یونس: ۵۸) «بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که این، از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است!»



گروهی از بررگان با استناد به ابن عباس بفضل الله و برحمته را فضل خداوند نسبت به پیامبر ﷺ و علی علیه السلام گرفته‌اند (الکنتحی الشافعی [بی تا الف]، شافعی بغدادی [بی تا]: ج ۵، ۱۵؛ حاکم [بی تا]: ج ۱، ۲۶۸؛ ابن صباغ [بی تا]: ۱۱۳؛ خازن نیشابوری [بی تا]: ج ۵، ۲۰۳؛ بعمی ۱۴۱۵؛ ح ۵، ۲۰۳؛ کشفی ترمذی [بی تا]: ۶۳)

در نظرگاه سید قطب عمر که در دین آفته است می‌داند که فضل و رحمت پروردگار چیست؟ این فضل بالاترین درجه تقوی است، برخی می‌پندارند مال و مرکب و روزی فراوان فضل پروردگار است که این طرز تشکر اشتباه است (سید قطب [بی تا]: ج ۳، ۱۸۰)

۱۲. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَ مَنَّهُمْ مَن يَنْتَظِرُ ۚ مَا يَدُلُّوا تَدْيِيلًا» (احزاب: ۲۳) «از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، پس برخی از آنها پیمان خود را به انجام رساندند و برخی‌شان در همین انتظارند و هرگز پیمان خود را تغییر ندادند». - منظور از رجال تسبیح همان ائمه اطهار است. -<sup>۱</sup> سید قطب می‌نویسد:

امام احمد از ثابت روایت کرده: عمویم انس پسر نضر که من نسبت به او ثابت پسر انیس نامیده شده‌ام در جنگ بدر با پیامبر شرکت نجست، از این بابت سخت ناراحت شد و گفت: اولین جنگی که پیامبر خدا در آن شرکت کرد، شرکت نکردم و غایب بودم. اگر خداوند از این به بعد صحه‌ای از جنگ در خدمت پیامبر نصیب فرماید، یزدان خواهد دید که چه خواهیم کرد.

ثابت گفت:

عمویم ترسید بیش از این چیزی بگویند. یا پیامبر در جنگ احد شرکت کرد، سعد بن معاذ به سویش آمد، انس به او گفت: ای ابو عمرو کجا؟ چه بوی بهشتی، من بوی بهشت را از چنانپ احد می‌بویم. ثابت می‌گوید، عمویم جسکند تا کشته شد، و در بدن او هشتاد و اند ضربه شمشیر و نیزه و تیر یافت شد، خواهر انس گفته: «برادرم را نشناختم مگر با انگشتانش». ثابت می‌گوید، آن گاه این آیه نازل شد.

۱. حاکم حسکانی، [بی تا]: ج ۲، ص ۱، کشفی شافعی، [بی تا]: ۲۲۹، قندوزی حمی، [بی تا]: ۸۶، حوازی حمی، [بی تا]: ۱۹۷، ابن صباغ مالکی، [بی تا]: ۱۱۶، ابن حجر شافعی، [بی تا]: ۸۰، [بی تا]: ۹۷، علامه الدیس سعدی، [بی تا]: ج ۵، ۲۰۳، بعمی شافعی، (۱۴۱۵)، ح ۵، ۲۰۳.

سید قطب این آیه را در شأن انس بن نضر می‌داند و به عام بودن آیه اشاره نمی‌کند  
 ۱۳. ﴿... قُلْ لَا سَأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا التَّوَدُّ فِي الْقُرْبَىٰ...﴾ (شوری: ۲۳)، «هنگامی که شما بر  
 آن، اجری جز مودت خویشان نمی‌خواهیم...» منظور دوست داشتن اهل بیت علیهم‌السلام  
 پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

سید قطب ذیل این آیه می‌نویسد:

«... تفسیر مقول از ابن عباس را در اینجا ذکر می‌کنم: در صحیح بخاری از ابن عباس  
 آمده که سعید بن جبیر ذیل آیه ﴿إِلَّا التَّوَدُّ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ گفته: منظور خویشاوندی آل  
 محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. ابن عباس گفت: شتاب کردی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده: تیره‌ای از تیره‌های  
 قریش نیست مگر این که با حضرت خویشاوندی داشته، ابن عباس در ادامه گفت: مراد  
 این است که خویشاوندی و قرابت را پیوند دهید و صلح و رحمت به جای آورید که میان  
 من و شماست یعنی، در حق چیزی که شما را به سوی آن رهنمود می‌کنم، برای  
 مراعات قرابت و خویشاوندی، لذت و آزار خود را بازگیرید و گوش فرا دهید و  
 نرزش داشته باشید. این پاداش من است. سید قطب می‌گوید: تفسیر ابن عباس از  
 تفسیر سعید بن جبیر به واقعیت نزدیک‌تر است.

۱۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَعْتُمْ الرُّسُلَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْكُمْ صَدَقَاتِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ  
 أَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (مجادله: ۱۲). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
 هرگاه با پیامبر (خدا) گفتگوی محرمانه می‌کنید، پیش از گفتگوی محرمانه  
 خود صدقه‌ای تقدیم بدارید. این (کار) برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی  
 نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است»

این آیه را در شأن علی علیه‌السلام دانسته‌اند. سید قطب ذیل این آیه چنین نوشته است:  
 «تथा کسی که به این آیه عمل کرد، علی کرم الله وجهه است و چون پرداخت صدقه  
 برای دیگر مسلمین مشقت داشت این آیه با آیه بعد نسخ شد.»

۱۵. ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳)  
 «خداوند می‌خواهد رجس و پلیدی را از شما اهل بیت برد و شما را کاملاً پاک سازد».  
 این آیه در شأن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او که فاطمه (س)، علی علیه‌السلام و حسن و  
 حسین علیهم‌السلام نازل شده است. (نیشابوری [بی‌تا] ج ۱۵، ۱۹۴).

سید قطب این آیه را در شأن همسران پیامبر ﷺ می‌داند (سید قطب [بی تا] ج ۵، ۲۸۶۲).

۱۶. «و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخواناً علی سریر متقابلین» (حجر: ۲۷) «هرگونه حسد و کینه و دشمنی را از سینه آنها بر می‌کنیم و روحشان را پاک می‌سازیم در حالی که همه برادرند، و بر تخت‌ها رو به روی یکدیگر قرار دارند.»  
ابوهریره می‌نویسد: علی بن ابیطالب به رسول خدا گفت: «یا رسول الله من نزد تو محبوب ترم یا فاطمه؟» حضرت فرمود: «فاطمه محبوب است نزد من و تو از او عزیزتری، گویی من و تو با هم در کنار حوض هستیم و مردم از آن حوض با ظرف‌های دسته‌دار آب می‌نوشند مثل ستاره‌های آسمان، در حالی که تو و حسن و حسین و فاطمه و عقیل و جعفر در بهشت بر تخت‌هایی مقابل هم برادرانه نشست‌اند» (خوارزمی [بی تا]، ۶۸).

سید قطب ذیل این آیه از تفسیر قرطبی نقل می‌کند (قرطبی ۱۹۲۶: ج ۷، ۱۲۰۷، ج ۱۰، ۱۳۳) که طبق آن امام علی رضی الله عنه اظهار امیدواری می‌کند که وی و عثمان و طلحه و زبیر از کسانی باشند که خداوند درباره آنها فرمود: «و نزعنا ما فی صدورهم غلّ» (سید قطب [بی تا] ج ۳، ۱۲۹۲). این روایت با لفظی دیگر و بدون نام عثمان و زبیر نیز روایت شده و سبب صدور آن دلجویی امام علی رضی الله عنه از فرزند طلحه دانسته شده است (محمد بن سعد [بی تا] ج ۳، ۲۲۵، نحاس [بی تا] ج ۲، ۳۷). همچنان که آیه‌ای که همراه با این روایت ذکر شده با آیه‌ای که در می‌ظلال القرآن و منبع اصلی آن، یعنی قرطبی آمده، متفاوت است (روایت دوم در ذیل آیه ۷۴ از سوره حجر آمده است) افزون بر این، گونه احادیث ضعیف و مشکوک الصدور بوده و عدم صدور آنها قطعی به نظر می‌رسد، زیرا در این روایت اظهار امیدواری برای حشر با کسانی شده که دشمن یکدیگر بوده‌اند. طلحه و زبیر نقش عمده در قتل عثمان را بر عهده داشته‌اند.

### نتیجه‌گیری

در نگاه به زندگانی سید قطب و آثار او به این نتیجه می‌رسیم که وی با نبوغ ذاتی خود می‌کوشید روح حماسی و هنری قرآن را پندایند. در حالی که ضرورت آگاهی یک

مفسر نسبت به علوم مقدماتی تفسیر از قبیل علم لغت، علم رجال، علم درایه، معانی و بیان، و وقوف بر روایات مربوط در حد لازم امری انکارناپذیر است. هر چند می‌توان از استعداد ذاتی به منزله یکی از عوامل موثر در این زمینه نام برد، ولی بدون ورود و آشنایی در زمینه‌های مذکور نمی‌توان صرفاً با اتکاء به استعداد ذاتی در این وادی قدم گذاشت و اظهار نظر کرد. افزون بر آشنایی لازم نسبت به علوم پیشگفته، مفسر باید از دانش و تجربه‌های دیگران و تاریخ اسلام و حتی تاریخ سایر ادیان سود جوید. در ضمن او تفسیر فی ظلال را در زندان نوشت و بدیهی است که در زندان با توجه به وضعیت خاص آن، شرایط، امکانات و منابع لازم و کافی در اختیار نداشت تا تألیف تفسیری قابل قبول و قابل اعتماد میسر شود. همچنین وی به مدت ده سال از قرآن و اسلام دور ماند و پس از نوشتن کتاب المداله الاجتماعیه فی القرآن، دوباره به قرآن روی آورد و پس از آن با دید هنری به قرآن پرداخت و در آخر دیدگاه خود را نسبت به قرآن تغییر داد و از منظر حماسی به تفسیر مجدد پرداخت که موفق به تکمیل آن نشد و در راه رسیدن به آرمانش شهید شد.

در زمینه اسباب النزول، قواعد مختلفی مطرح است که مفسر باید در زمینه آنها آگاهی لازم را داشته باشد تا هنگام تفسیر قرآن، بر اثر غفلت از این قواعد، به سبب‌های نزول نامعتبر اعتماد نکند و تفسیر آیات شریفه را بر پایه‌های مست بنیان نهد (برای اطلاع بیشتر نکه اسباب نزول، حجتی) در طول تاریخ اسلام، بر اثر عرض ورزی جمعی و غفلت یا ناآگاهی جمعی دیگر، سبب نزول‌های جعلی یا برگرفته از تورات و انجیل و تعالیم یهودیت و مسیحیت، در مورد برخی از آیات مطرح شد و به مرور زمان، در کتاب‌های تفسیر و اسباب النزول رخنه کرد. یکی از مسائل مهم در علوم قرآنی، ارائه معیاری مشخص برای تشخیص سبب نزول‌های غیر واقعی از اسباب نزول راستین است و در صورتی که مفسر چنین معیاری در اختیار نداشته باشد، بی تردید در تفسیر قرآن دچار انحراف یا سرگردانی می‌شود.

مسئله دیگر، محدود کننده بودن یا نبودن سبب نزول نسبت به مفاد آیات است که در این خصوص، اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران معتقدند که سبب نزول محدود کننده نیست. البته باید این اصل را با تحقیق به دست آورد و در هنگام تفسیر در مورد سبب

نزول‌ها به کار بندد. سید قطب در این مورد آیات را عام و مصداق اکمل آن را، شخصی که آیه در خصوص او نازل شده می‌داند.

تعدد و تعارض سبب نزول‌ها و چگونگی حل و جمع بین آنها، مسأله دیگری است که مفسر باید موضع محققانه خود در این خصوص را تعیین کند و به منزله نوعی خط مشی، در تفسیر از آن پیروی کند. مسائل یاد شده و امثال آن، دست‌مایه‌های مفسر در هنگام رجوع به اسباب نزول و استفاده از آنها در تفسیر آیات است و ناآگاهی از آنها تفسیر را دچار لغزش می‌کند. سید قطب در این مورد به حل این تعارض می‌پردازد. اما اگر این مورد در خصوص ائمه باشد، با توجه به این که بیشتر مفسرانی که سید قطب از تفسیر آنها در فی ظلال القرآن سود جستند در ذیل آیات مطرح شده در این مقاله شأن نزول حقیقی و اصلی آن را آورده‌اند، در مورد آنها کم لطفی کند و برای حل تعارض آن با دیدگاه خود به حذف آن شأن نزول‌ها می‌پردازد.

مفسر باید در مورد مبانی و قواعد موضع‌گیری مستند و مستدل داشته باشد و از علوم مؤثر در تفسیر و منابع اولیه تفسیر، آگاهی کافی داشته باشد که یکی از مهم‌ترین منابع اولیه تفسیر شناخت اسباب النزول است. هر گونه تفسیر، به ویژه در بخش مهمی از معارف قرآنی، وابسته به آن موضع‌گیری و این آگاهی است و بدون احراز شرایط و اوصاف یاد شده، تفسیر به رونویسی و تقلید صرف از تفاسیر دیگر مبدل می‌شود یا سر از تفسیر به رأی در می‌آورد.

بی‌طرفی علمی در هر تحقیقی ضرورت دارد خواه آن تحقیق در زمینه کشف قوانین طبیعی و انسانی باشد و خواه در تأیید شدن به فهم و درک سخن یا نوشته‌ای، ولی در خصوص قرآن، به لحاظ پیامدهای آموزشی آن، مسأله بسیار حساس‌تر است. روایات فراوانی هم که از تفسیر به رأی نکوهش می‌کند، ناظر بر همین نکته است. کلاً عدم رعایت بی‌طرفی علمی، گاه در قالب حاکمیت بخشیدن به تمایلات فردی و گروهی قرآن و تفسیر آیات، گاه به صورت حاکم ساختن آرای شخصی خود بر قرآن صورت می‌گیرد و گاه بر اثر مرعوب دیدگاه دیگران شدن و جرئت اقدام برای فهم نوبین بر اساس قواعد را به خود ندادن و از نوآوری و فهم جدید و نکات بیشتر پرهیز کردن است. البته حاکمیت قواعد مسلم عقلی، قواعد معاویه عقلایی و اصول کلی برگرفته از

خود قرآن، با بی طرفی علمی کاملاً سازگار بوده، بلکه دخالت دادن آنها ضرورت دارد (بابایی و دیگران ۱۳۸۲: ۳۵۴-۳۵۳).

در مبحث پیش به آیات متعددی در خصوص ائمه علیهم السلام اشاره شد که نگاه اهل سنت، نسبت به روایات وارده در شأن ائمه علیهم السلام را چند گونه می توان تصور کرد:

۱. کسانی که از ذکر روایات وارده در شأن نزول آیات مربوط به ائمه علیهم السلام خودداری می کنند.

۲. کسانی که روایات را نقل می کنند اما برای آن معارض می آورند و در سد پا در دلالت آن بر فضیلت ائمه، حدشه وارد می سازند.

۳. گروهی روایات را ذکر می کنند و آن را از مضامین اهل بیت به شمار می آورند اما از دلالت آن بر استحقاق امامت، سکوت می ورزند یا در دلالت آن اشکال می کنند.

۴. کسانی هستند که در سند یا در دلالت این قبیل احادیث اشکالی نمی بینند اما می گویند عمل اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله که پس از آن حضرت، علی علیه السلام را جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله نپذیرفتند، دلیل بر آن است که این روایات باید به گونه ای توجیه شود.

هر چهار گروه دچار لغزش شده اند و اما لغزش دو گروه اول بسیار بیشتر است. سید قطب چیز گروه نخست است و با سکوت خود به انکار این آیات می پردازد.

با توجه به بیان تفسیری سید قطب در ذیل این آیات، که در این جستار بدان پرداختیم، می توان دیدگاه او را نسبت به آیات نازل در شأن اهل بیت علیهم السلام به چند قسم بیان کرد.

الف) در خصوص آیاتی که عملی از ائمه سر زده و پس از آن آیه نازل شده است: وی در تمامی موارد سکوت می کند و چیزی که مورد (توبه: ۳) به بقیه اشاره نمی کند، در آن یک مورد نیز به جهت ذکر فضیلت ابوبکر مجبور به بیان شأن نزول آیه شده، اما به گونه ای آن را تأویل می کند تا فضیلت علی علیه السلام را بپوشاند.

ب) در مورد آیات اختصاصی ائمه به هیچ موردی اشاره نمی کند. در مورد کاری که فقط علی علیه السلام آن را انجام داد و به جز او کسی از عهده آن بر نیامد ذیل آیه نجوی - اشاره گذرا بدون توضیح و تبیین دارد.

ج) در آیاتی که حکم آن عام است، همه را دربر می گیرد ولی علی علیه السلام اولی از دیگران

است نیز سکوت نموده. اگر شأن نزول دیگری در این خصوص مطرح باشد، به نقل آن می‌پردازد، و در برخی موارد برای این که مصداق آیه را ابویکر و عمر نشان دهد بدون استناد به منبغی آیه را بر آنها منطبق می‌کند. در عین حال اگر در مورد آیه‌ای دو شأن نزول ذکر شده باشد، روایتی را که مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام است، حذف می‌نماید. او تا بدان جا پیش می‌رود که در ذیل آیه ۴۲ از سوره نساء که می‌فرماید: ﴿لا تقرروا الصلاة و انتم سكارى...﴾ ضعیف‌ترین روایت را نقل می‌کند و اظهار می‌دارد که مصداق این آیه حضرت علی علیه‌السلام است.

سید قطب در ذیل آیه ﴿و اذان من الله و رسوله الى الناس يوم الحج الاکبر...﴾ نیز نظر خود را در خصوص شأن نزول آیات چنین مطرح می‌کند:

روایت‌های متعددی درباره شرایط و ظروف این اعلان، شیوه تبلیغ و رساندن آن، و کسی که آن را تبلیغ کرد و رساند، نقل شده است. صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین آنها به واقعیت روایتی است که ابن جریر بیان داشته است.

سید قطب در مواجهه با چنین روایاتی بر مبنای عقاید خود عمل می‌کند و می‌گوید: از چیزهایی صرف نظر می‌کنیم که از گفتار او (ابن جریر) نمی‌یستیم و با آنها موافق نیستیم، یا سخنانی را که از گفته‌هایش بیان نمی‌داریم که برخی مخالف و متناقض با برخی دیگر در این باره است. زیرا ما روایت‌های متعددی و تعلیقات طبری را نقد و بررسی نمی‌کنیم، چیزی را که از میان سخنان وی ترجیح می‌دهیم، می‌نگاریم. (سید قطب [بی تا] ج ۲، ۸۲۸-۸۲۷).

و این گونه به دلیل عدم رعایت بی طرفی علمی، در ذکر وقایع تاریخی دچار خطا و اشتباه می‌شود.

### منابع و مأخذ

- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۳۶۴)، روح المعانی، چاپ اول، مصر، چاپ منیره.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه لله (۱۳۸۵)، شرح نهج البلاغه، مصر، چاپ مصطفی الحلین.

- ابن كثير، علي بن محمد بن عبدالكريم [بى تا]، جامع الاصول، مصر، چاپ السنه المحمديه.
- ابن الجوزى، حفي، يوسف بن قراوعلى [بى تا]، تذكرة الخواص، چاپ نجف.
- ابن حنبل، احمد [بى تا]، المسند، چاپ اول، مصر الصحابه.
- ——— (١٤٠٢)، فضائل الصحابه، چاپ اول، مؤسسه الرساله.
- ابن صباغ مالكي [بى تا]، الفصول المهمه، چاپ نجف.
- ابن طلحه شافعى، محمد [بى تا]، مطالب السؤل، چاپ اول، چاپ نجف.
- ابن كثير، اسماعيل [بى تا]، تفسير القرآن العظيم، مصر، چاپ مصطفى محمد.
- ——— [بى تا]، البدايه و النهايه، مصر، چاپ السعاده.
- ابوبكر الجصاص، احمد بن على (١٤٠٦)، احكام القرآن، دارالكتاب العربى.
- ابوحيان المغربى الأندلسى، محمد بن يوسف [بى تا]، البحر المحیط، ح اول، مصر، چاپ السعاده.
- الاصهائى، احمد بن عبدالله [بى تا]، دلائل النبوه، چاپ حيدرآباد.
- امامى، جعفرى [بى تا]، وهبى امام على عليه السلام در قرآن و سنت، ترجمه المراجعات، سيد شرف الدين موسوى، چاپ سازمان تليفات اسلامى.
- باباى، على اكبر و ديگران (١٣٨٢)، روش شاسى تفسير قرآن، تهران، انتشارات سمت.
- باقلاى، ابوبكر [بى تا]، التمهيد، مصر، چاپ دارالفكر.
- بحرتمى، سيد هاشم، [بى تا]، غايه المرام، مؤسسه الرقاء.
- بمرى، حسين بن مسعود (١٤١٥)، معالم التنزيل، بيروت، دارالمعروف.
- ——— [بى تا]، مصابيح السنه، چاپ المطبعه الحبيره.
- بيضاوى، عبدالله بن محمد [بى تا]، اتوار التنزيل و اسرار التأويل، مصر، چاپ محمد.
- نرمدى، محمد بن عيسى [بى تا]، سنن، بيروت، دارالكتب العلميه.
- نعلبى [بى تا]، الكشف و البيان، چاپ تبريز.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله [بى تا]، معرفة علوم الحديث، چاپ مصر، مكتبه العلميه.
- ——— (١٩٨٤)، المستدرک، حيدرآباد.
- حسينى مرعشى شوشترى، نورالله (١٠١٩)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، همد.
- خارن نيشابورى، علامه الدين [بى تا]، لباب التأويل فى معانى التنزيل، مصر.



- خالدی، صلاح عبدالمتاح [بی تا]، سید قطب من الميلاد الى الشهادة، دمشق، دارالقلم.
- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۲)، دانشنامه علوم قرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات دوستانه.
- حطیب تبریزی، مشکاه المصابیح، چاپ دہلی، [بی تا].
- حرارزمی، مولف بن احمد [بی تا]، المناقب، چاپ اول، چاپ ترمیز [بی تا].
- دهنوی، شاه عبدالحق، [بی تا]، مدارج النبوه، چاپ لہنو.
- ذہبی، شمس الدین، [بی تا]، تلخیص المستدرک، حیدرآباد.
- — (۱۳۷۲)، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسہ الرسالہ.
- رازی، فخرالدین [بی تا]، مفاتیح الغیب، مصر، چاپ المہیہ.
- زرکشی، ہدوالدین (۱۴۱۰)، البرہان فی علوم القرآن، دارالمعروفہ.
- زمخشری، محمود بن عمر [بی تا]، الکشاف، مصر، چاپ مصطفی محمد.
- سنائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب [بی تا]، الخصائص، چاپ نجفہ.
- سید قطب [بی تا]، فی حلال القرآن، دارالشروق.
- — ماچہ بگویم (۱۳۷۰) ترجمہ حسرو شاہی، ہادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- سیوطی، جلال الدین [بی تا]، الدر المنثور، چاپ مصر، [بی تا].
- — [بی تا الف]، لباب القول فی اسباب النزول، تصحیح عبدالشافی، احمد، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- — (۱۳۸۲)، الاتقان فی علوم القرآن، بہ قلم حاتری قزوینی، سید مہدی، تصحیح: ابراہیم محمد ابو الفضل، تهران، مؤسسہ انتشارات امیرکبیر.
- شامی البغدادی، ابو بکر [بی تا]، تاریخ بغداد، چاپ قاہرہ، [بی تا].
- شاکری، حسین [بی تا]، علی فی کتاب و السنہ، بیروت، دارالمورخ العربی.
- شوکانی الیمانی، محمد بن علی [بی تا]، فتح القدیر، مصر، چاپ مصطفی محمد.
- طباطبائی، سید محمد حسین [بی تا]، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعہ المدرسین فی المحوزہ العلمیہ.
- طبری، محب الدین (۱۳۵۶)، ذخائر العقبی، مصر.
- — محمد بن جریر [بی تا]، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، مصر، چاپ مہینیہ.
- عسقلانی، احمد حجر [بی تا]، الاصابہ، مصر، چاپ مصطفی محمد.

- عسکری، سید مرتضیٰ [بی تا]، معالم المدرسین، ترجمه محمد جواد کرمی، تهران، انتشارات دانشکده علوم حدیث.
- عماد الدین ابوالعلاء اسماعیل بن کثیر القرشی [بی تا]، تفسیر القرشی، مصر، چاپ مصطفیٰ محمد قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۳۶)، الجامع لاحکام القرآن، چاپ مصر.
- قلموزی، سلیمان بن ابراهیم [بی تا]، ینایح الموده لذوی القری، چاپ اسلامبول.
- کاشفی، حسین [بی تا]، تفسیر المواجه، چاپ تهران.
- کاشفی، ملامعین الدین [بی تا]، معارج الجوده فی المدارح الفتوه، چاپ لکهنو.
- کشفی الترمذی، میر محمد صالح [بی تا]، مناقب المرتضوی، پبیشی، چاپ محمدی.
- کیل، ژیل (۱۳۸۲)، پیامبر و رهروان (چپش های نوین اسلامی در مصر)، ترجمه حمید، احمدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کیهان.
- کجی الشامی [بی تا الف]، الرياض المضرة، چاپ محمد امین الحاتمی، مصر.
- — — [بی تا ب]، کفایه المطالب، چاپ النوری.
- متقی الهندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹)، کز العمال، دارالکتب العلمیه.
- مظفر، محمد حسن (۱۹۷۶)، دلائل الصدق، دارالمعلم، قاهره.
- مهایی، علی بن احمد [بی تا]، مدارک التنزیل، مصر، چاپ عیسی الحلبی.
- نفسی، عبداللہ بن احمد [بی تا]، مدارک التنزیل، مصر، چاپ عیسی الحلبی.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج [بی تا]، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
- واحدی نیشابوری [بی تا]، اسباب الزول، مصر، چاپ الهدیه.